

توکل به خدا؛ موفقیت و سرافرازی

عینالدوله از وزرای دوران ناصرالدین‌شاه بود. در راه منزل دو درویش دید. یکی از آنها بلندبلند می‌گفت: کار خوبه خدا درست بکند و دیگری می‌گفت: کار خوبه عینالدوله درست بکند.

عینالدوله از این حرف درویش خوشحال می‌شود و وقتی به خانه می‌رسد دستور می‌دهد که به آن درویش یک ظرف پلو آماده بکنند و در زیر پلو یک اشرفی هم قرار بدهند.

وقتی پلو را جلوی درویش می‌گذارند او قهر می‌کند چرا که از موضوع اشرفی بی‌اطلاع بوده و غذا را به درویشی که می‌گفت کار خوبه خدا درست بکند، می‌دهد.

درویش اولی پلو را تناول می‌کند و سکه را صاحب می‌شود.

چند روز بعد درویش ناکام باز ذکر می‌گوید و عینالدوله وقتی او را می‌بیند، می‌گوید که مگر چند روز قبل برای تو غذای خوب ندادند؟ می‌گوید: چرا دادند اما من ناراحت شدم و آن را به درویشی که می‌گفت کار خوبه خدا درست بکند، دادم.

عینالدوله گفت: همانی که او می‌گفت درست است. کار خوبه خدا درست بکند.

برای این که به هدف برسیم و به آرزوی خود دست پیدا بکنیم خدا را فراموش کرده و دست به دامن اشخاصی به‌ظاهر صاحب نفوذ و قدر قدرت می‌شویم.

کاری که با نظر لطف و عنایت پروردگار در مسیر اصلی قرار گیرد هیچ‌وقت به بن‌بست نمی‌خورد. تکیه بر خداوند دلگرمی خاصی را به انسان می‌بخشد که غلبه بر هر مشکلی را امکان‌پذیر می‌کند.

اگر تکیه‌گاه انسان، آفریدگار جهان باشد فتح قله‌های افتخار و سربلندی حتمی خواهد بود. البته خدا را در نظر گرفتن و در همه حال او را حامی و پشتیبان تلقی کردن موقعی کارساز می‌شود که این اقدامات ریشه در ایمان قلبی داشته باشد و اثری از ریا و تظاهر و خدعه و نیرنگ نباشد.

وقتی نقطه‌ی اتکای انسان در زندگی خداوند باشد و از غیر او چشم‌پوشد نیازی نخواهد داشت که به سراغ دیگری برود و دست‌نیاز به سوی او دراز کند.

توکل بر خدا و دل بستن به عنایات و محبت‌های او، چنان قدرتی به

انسان می‌بخشد که بتواند با استفاده از نیروی عقل و اسباب و
وسایله‌ها بهترین‌ها را برای خود رقم بزند.
از امام رضا(ع) پرسیدند: حد توکل چیست؟
حضرت پاسخ دادند: این‌که با وجود خدا از هیچ‌کسی نترسی.